

# آناکسیماندروس (Ἀναξίμανδρος)

## گزیده ای از پاره ها و شواهد\*

### دنیل گراهام

ترجمه محمد باقر قمی

#### الف) زندگی

۱. دیوگنس لائرتیوس

آناکسیماندروس ... اهل میلئوس ... گفته است آرچه (ἀρχήν) و عنصر (στοιχείον) آپایرون (ἄπειρον) است و آن را هوا یا آب یا چیز دیگر تعیین نکرده است. اجزاء تغییرپذیرند اما کل تغییرناپذیر است. ... زمین کروی است، در میانه است و مرکز را اشغال کرده است. ماه نورش جعلی است و به وسیله خورشید روشن می شود. خورشید بزرگتر از زمین و از آتش خالص است. ... اول بار او نقشه ای از زمین و دریا ترسیم کرد.

۴. سودا

آناکسیماندروس نویسنده درباره طبیعت، درباره ستاره های ثابت؛ فلک [آسمانها] و برخی رسالات دیگر.

۵. تمیستیوس

تا آنجا که می دانیم او اولین یونانی بود که جسارت کرد [و] نوشته ای درباره طبیعت (Περὶ φύσεως) منتشر کرد.

#### ب) فلسفه

۹. سیمپلیکیوس [گزارش تفسیر ثوفراستوس]

از میان کسانی که می گویند [آرچه] واحد، متغیر و بی نهایت است، آناکسیماندروس ... خلف (διάδοχος) و شاگرد تالس آرچه و عنصر (στοιχείον) موجودات (τῶν ὄντων) را آپایرون تعیین کرد؛ اولین کسی که این نام را به آرچه داد. او می

گوید آن نه آب است و نه هیچ یک از چیزهای دیگری که می‌گوییم عنصر هستند، بلکه طبیعتی متفاوت و آپایرون است که از آن همه آسمانها و کوسموس‌های درون آنها نشات می‌گیرند.

(۱) چیزها در نابودی شان به همان چیزهایی نابود می‌شوند که از آنها به وجود می‌آیند و بر مبنای بایسته‌ها (χρῆστων): آنها به یکدیگر خسارت می‌زنند و برای بی‌عدالتی شان بر مبنای ترتیب زمان جبران می‌کنند؛ با بیان آن با این نام‌های شاعرانه.

[سیمپلیکیوس]: روشن است که او با مشاهده تبدیل چهار عنصر به یکدیگر صحیح نمی‌دید که یکی از آنها را زیرنهاد (ὑποκειμενον) دیگران قرار دهد بلکه چیزی دیگر در کنار آنها؛ او به وجود آمدن را نه بر مبنای تغییر عناصر به یکدیگر بلکه بر مبنای جداشدن متضادها به دلیل حرکت ابدی می‌سازد. به همین دلیل ارسطو او را با طرفداران آناکساگوراس در یک طبقه قرار می‌دهد.

۱۰. هیپولیتوس

آناکسیماندروس می‌گوید آرچه برخی موجودات طبیعتی خاص از آپایرون (φύσιν τινὰ τοῦ ἀπειροῦ) است که از آنها آسمانها و کوسموس آنها ایجاد میشود.

(۲) آن ابدی و بدون سن است و همه کوسموس را احاطه می‌کند. او از زمان به وجود آمدن (γένεσως)، وجود داشتن (οὐσία) و از بین رفتن (φθορά) چنان سخن می‌گوید که گویی مشخص است. اینگونه آرچه و عنصر موجودات را آپایرون تعیین کرد؛ اولین کسی که آرچه را با این نام خواند. به علاوه، حرکت ابدی است که در آن آسمانها به وجود می‌آیند.

۱۱. ارسطو، کون و فساد

هیچ یک از آنها [عناصر] نیست که همه چیز از آن [به وجود آید] و نه چیزی در کنار آنها؛ مثلا چیزی بین آب و هوا یا بین هوا و آتش ... بلکه هریک از متضادان فقدان دیگری است. پس هرگز ممکن نیست که منشا به تنهایی وجود داشته باشد (μονοῦθαί)، چنانکه برخی می‌گویند آپایرون و ماده احاطه کننده چنین است.

۱۲. اسکندر، متافیزیک

او [ارسطو] نظر آناکسیماندروس را به مطالعه اش افزود که او طبیعتی بین (μεταξύ) هوا و آتش یا هوا و آب را آرچه قرار داد (هر دو مورد نقل شده است).

۱۳. ارسطو، فیزیک

همانگونه که طبیعیون (φυσικοί) می‌گویند، دو راه [برای تبیین تغییر] هست. عده ای یک جسم (σῶμα) را زیرنهاد قرار می‌دهند، یکی از سه عنصر یا چیزی دیگر که از آتش غلیظ تر است اما از هوا ظریفتر؛ و چیزهای دیگر را از قبض و بسط

آن می سازند تا کثرت حاصل شود ... دیگران متضادها را از امر واحدی جدا می کنند که در آن حاضرند، چنانکه آناکسیماندروس [چنین] می گوید و [نیز] هر کسی که می گوید یک واحد و یک کثرت هست؛ همچون امپدکلس و آناکساگوراس؛ چون آنها نیز همه چیز را از مخلوط (γίγματος) جدا می کنند.

۱۶. ارسطو، فیزیک

(۳) به نظر میرسد آپایرون منبع چیزهای دیگر باشد که شامل (περιέχειν) همه چیز است و بر همه حکم میراند (κυβερον) چنانکه کسانی که علتی دیگر در کنار آپایرون همچون عشق یا عقل وضع نمی کنند، چنین می گویند و این الهی است چرا که بی مرگ و فناپذیر است، همانطور که آناکسیماندروس همگام با اکثر فیلسوفان طبیعی (φυσιολόγων) چنین می گوید.

۱۷. ارسطو، فیزیک

کسانی هستند که یک آپایرون وضع می کنند که نه هواست و نه آب؛ چراکه نباید چیزهای دیگر به واسطه بی نهایت بودن اعدادشان از بین بروند ... اگر یک بی نهایت وجود داشت، چیزهای دیگر از بین رفته بودند. اکنون آنها می گویند چیز دیگری است که از آن این چیزها نشات می گیرند.

۱۸. آئتیوس

آناکسیماندروس می گوید آپایرون آرچه موجودات است، چون همه چیز از آن به وجود می آید و به آن نابود می شود. به همین دلیل جهان های بی نهایت (ἀπειρους) به وجود می آیند و دوباره به آنچه از آن به وجود آمدند، نابود می شوند. او دلیل بی نهایت بودن را می گوید: برای آنکه پیدایش (γένεσις) که جاری است (ύφισταμένη)، هرگز متوقف نشود. او در اینکه نمی گوید آپایرون چیست (τί ἐστι τὸ ἄπειρον) اشتباه می کند؛ آیا هواست یا آب یا زمین یا اجسامی دیگر. او همچنین اشتباه می کند که ماده را بیان می کند اما علت فاعلی (ποιοῦν αἴτιον) را حذف می کند. چون آپایرون چیزی نیست مگر ماده. اما ماده نمی تواند محقق شود مگر علت فاعلی (τὸ ποιοῦν) بر آن عمل کند.

(ج) فیزیک

۱۹. پلوتارک

بعد [از تالس]، آناکسیماندروس ... گفت آپایرون همه علل (αἰτίον) پیدایش ها و نابودی های جهان (τοῦ παντός) را دارد و می گوید از آن آسمان ها و به طور کلی همه بی نهایت کوسموس های موجود (καθόλου τοὺς ἅπαντας) جدا می شود.

- آناکسیماندروس می گوید در آغاز انسان از حیوان دیگری به وجود آمده چراکه ... انسان نیاز به تغذیه شدن به مدت طولانی دارد. به همین دلیل اگر از اول چنین بود، هرگز [وجود نمی داشت].

۲۰. هیپولیتوس

زمین معلق است و وابسته به هیچ چیز نیست؛ ایستاده آنجا با فاصله ای یکسان (ὁμοίαν) از همه چیز؛ شکلش مقعر، گرد و همچون طلی استوانه ای است و ما بر یک طرفش راه می رویم و یک طرف مقابل دارد ... خورشید ۲۷ برابر زمین ... خورشید بالاترین است ... انسان در ابتدا شبیه به ماهی بوده... او در سال سوم المپیاد ۴۲ [۶۱۰] به دنیا آمد.

۲۴. آنتیوس

آناکسیماندروس می گوید کسوف وقتی رخ می دهد که دهان حفره آتش خورشید بسته می شود.

۳۷. آنتیوس

آناکسیماندروس می گوید حیوانات اولیه در رطوبت به وجود می آمدند ... وقتی بالغ شدند به زمین آمدند ...

۳۹. پلوتارک

آناکسیماندروس می گوید ... انسانها ابتدا همچون سگ ماهی در شکم ماهی به دنیا آمدند و تغذیه شدند و وقتی به اندازه کافی بالغ شدند تا از خود مراقبت کنند، ظاهر شدند و بر زمین آمدند.

۴۰. آنتیوس

آناکسیمنس، آناکسیماندروس، آناکساگوراس و آرخلائوس گفته اند طبیعت روح از هواست.

۴۲. آنتیوس

آناکسیماندروس [می گوید] ستارگان خدایان آسمانی اند.

آناکسیماندروس اظهار می کند آسمانهای بی شمار خدایانند.

\*

درباره کتاب اصلی و سبک و ترتیب انتشار پاره ها در آن موارد ذیل میبایست مورد توجه قرار گیرند:

۱. کتاب مبنای این ترجمه کتاب زیر میباشد:

The Texts of Early Greek Philosophy: The Complete Fragments and Selected Testimonies of the Major Presocratics, Daniel W. Graham, ۲۰۱۰, Cambridge University Press

۲. تنها بخشی از پاره ها مربوط به بخشی از فیلسوفان در اینجا انتخاب و ترجمه شده اند. هرچند این انتخاب صرفاً براساس علاقه و نظر شخصی اینجانب بوده است، به نظرم مشهورترین فیلسوفان و مشهورترین پاره ها را در بر میگیرد.

۳. سبک، ترتیب و شماره گذاری پاره ها مبتنی بر سبک، ترتیب و شماره گذاری کتاب اصلی گراهام است.

۴. شماره بندی های بدون پرانتز همان شماره بندی های گراهام هستند. نام نوشته شده کنار شماره منبع آن را اعلام میکند. مثلاً: ۱. دیوگنس لائرتیوس به معنای آن است که این قطعه از دیوگنس لائرتیوس نقل شده است. هرچند گراهام در کتابش آدرس مطلب را هم آورده است، به دلیل جلوگیری از پیچیدگی بیش از حد آدرسها را در ترجمه نیاورده ام. دوستان میتوانند برای پیدا کردن آدرس به کتاب گراهام مراجعه نمایند.

۵. شماره های داخل پرانتز شماره پاره ها بر مبنای شماره های مشهور استاندارد دیلز-کرانتس (Diels-Kranz) است که خود گراهام نیز آنها را ذکر کرده است.

۶. هرچند در ترجمه ها متن یونانی را مبنا قرار داده ام اما به دلیل دانش ناقص از زبان یونانی، هر جا که نتوانستم زبان یونانی را مبنا قرار دهم از ترجمه انگلیسی آن استفاده کردم. از آنجا که این کار به قصد انتشار انجام نشده است، قطعاً دارای اشتباهات و نواقص متعددی است و از اینکه نمیتوانم این کار را پس از رفع اشکالات منتشر کنم از همه خوانندگان پوزش میطلبم.